

۴شنبه ۱۴۰۵/۱/۵ - ۵شوال ۱۴۴۷ - ۲۵مارس ۲۰۲۶ - درس ۱۱۵ فقه روابط سازمانی انسانی از فقه مدیریت رفتار سازمانی از فقه انگیزش از فقه اداره از فقه معاصر - روابط اربعه - رابطه سوم - رابطه با خلق سازمانی - اصول سبعة - اصل ششم - نصح ۸ - فقه الحديث ۶

❖ مسئله‌ی ۱۱۵: نصیحت و خیرخواهی از وظائف کارکنان نسبت به هم کاران است که باید برای رضای خدا و قرب به او عاری از انگیزه‌های مادی انجام پذیرد؛ در این صورت برترین فضیلت در میان فضائل سازمانی خواهد بود

احکام نصیحت متقابل کارکنان را در اخبار باب مورد استنباط قرار داده‌ایم که شش فتوا بر اساس آن افتاء گردید. اکنون ادامه‌ی فقه الحديث در این باب:

وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِالنَّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ.^۱

و جوب نصح از این خبر ظاهر است، لقلوه عليه السلام: «عليكم بالنصح» به قرینه‌ی منظمیه و متعلق نصح خداوند است، لقلوه عليه السلام: «النصح لله» که قبلاً معلوم شد تصحیح اعتقاد به خدا و آیات و خلفاء و معاد است (اعتقاد به توحید در ربوبیت). ولی این جا قید «فی خلقه» هم وجود دارد، یعنی الزام به «النصح لله فی خلقه» است برای خدا در خلق خدا. این باید مورد درایت قرار گیرد. خدا و خلق دو ضلع نصیحت هستند، نصیحت برای خدا و در خلق خدا. چند احتمال وجود دارد:

- ۱- برای رضای خدا در میان خلق خیرخواهی کردن؛
- ۲- عبودیت برای خدا، خدمت برای خلق؛
- ۳- برای اقامه‌ی دین خدا به ارشاد مردم در مسیر مصالحشان اقدام نمودن؛
- ۴- نصیحت هم کاران با قصد قربت؛
- ۵- حسن فاعلی و حسن فعلی در فعل نصیحت؛
- ۶- اخلاص نیت در نصیحت همکاران.

در مجموع نصیحت یک سکه است دارای دو روی خدامحوری و خدمت به خلق؛ همان که می‌گویند عبادت به جز خدمت خلق نیست. نباید در نصیحت خلق محبوبیت غیرخدایی را لحاظ کرد. قبلاً دانستیم که نصیحت خلق یعنی: «ارشادهم إلى مصالحهم».^۲ چنین ارشادی باید برای خدا و رضای او باشد تا عبادت و عبودیت محسوب شود. در هر حال یک فریضه است مثل عبادات اجتماعی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر که با قصد قربت همراه است. البته در جای خود ثابت است که واجبات توصیلیه اگر قصد قربت داشته باشند و با طهارت انجام پذیرند، به عنوان عبادت حساب می‌شوند. نصیحت هم می‌تواند واجبی توصیلی باشد که اگر برای خدا و قرب به او انجام پذیرد،

^۱ وسائل الشیعة / ج ۱۶ / ۳۸۲ / ۳۵ - باب وجوب نصیحة المؤمن. ص: ۳۸۱

^۲ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول / ج ۹ / ۲ / الحدیث ۳. ص: ۲

و قال فی النهایة: النسک و النسک الطاعة و العبادة و کل ما تقرب به إلى الله، و النسک ما أمرت به الشریعة، و الورع ما نخت عنه، و الناسک العابد، و سئل ثعلب عن المناسک ما هو؟ فقال: هو مأخوذ من النسب و هی سببکة الفضة المصفاة کأنه صفی نفسه لله تعالی، و قال: النصیحة کلمة یعبر بها عن جملة هی إرادة الخیر للمنصوح له، و لیس بممكن أن یعبر عن هذا المعنی بکلمة واحدة غیرها، و أصل النصح فی اللغة الخلوص، یقال: نصحت و نصحت له، و معنی نصیحة الله صحة الاعتقاد فی وحدانیته و إخلاص النية فی عبادته، و النصیحة لکتاب الله هو التصدیق به و العمل بما فیہ و نصیحة رسوله صلی الله علیه و آله و سلم التصدیق بنبوته و رسالته، و الانقیاد لما أمر به و نهی عنه، و نصیحة الأئمة أن یطیعهم فی الحق، و نصیحة عامة المسلمین إرشادهم إلى مصالحهم.

عبادت باشد، ولو اصطلاحاً واجب تعبدی محسوب نشود یا آن‌طور که مختار ما در اصول فقه الاداره است، واجبی تعبدی توصلی باشد ذووجهین، فافهم.

پس نصیحت یک فریضه و یک وظیفه‌ی رفتاری سازمانی است که کارمندان را خیرخواه هم‌کاران قرار می‌دهد و باید برای رضای خدا و نیل به قرب او انجام پذیرد تا در دنیا و عقبی اثربخش باشد و برای نیات مادی، سوداگرانه و اهداف سازمانی صرف نباشد، بلکه روح ربوبی و خدایی داشته باشد. اهداف صرفاً سازمانی با مفهوم عالی نصیحت ناسازگارند؛ زیرا اصولاً مفهوم اصلی و لغوی نصیحت خلوص است، کما مر. خلوص یعنی ناب نمودن رفتار برای خیرخواهی غیر، حرص برای صلاح منصوص و خوف از فساد منصوص. این حرص و خوف و شفقت جز با اخلاص نصح میسور نیست، یعنی انتظار پاسخ متقابل نداشتن، عدم توقع رأی آوردن و محبوبیت در نزد هم‌کاران برای ارتقائات سازمانی رائج، تسخیر بازار، جذب مشتری و مشترک بیشتر، شهرت و نام‌وری، برند شدن کار و... این‌ها خوب است، ولی حسن فعلی است که با حسن فاعلی جان‌دار و مؤثر شده و یک اقدام متعالی محسوب می‌شود. در مدیریت اسلامی رفتار سازمانی حسن فاعلی حرف اول را می‌زند که بدون آن نصیحت صرفاً حسن فعلی دارد و عقل آن را حسن می‌داند و تحسین می‌کند چون منافی برای فرد، گروه و سازمان دارد، مصالح سازمانی را تأمین می‌کند و اثربخشی دارد. ولی حسن فاعلی که نصح لله است، دامنه‌ی اثربخشی را بسی فراتر و گسترده‌تر قرار می‌دهد و سازمان را تعالی می‌بخشد و از رقابت‌های عادی و مادی خلاص می‌کند و اخلاص می‌بخشد، فافهم و تدبّر.

در فراز بعدی امام علیه السلام می‌افزاید که: «فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ»؛ یعنی نصیحت به عنوان فریضه‌ی رفتاری سازمانی خیرخواهانه‌ی دارای دو جنبه‌ی ربوبی و عبودی، در قله‌ی فضیلت سازمانی است. اولاً نصیحت یک عمل است صرف یک طلب و اراده‌ی خیر نیست؛ ثانیاً از این عمل با آن خصائص، افضل یافت نمی‌شود و در قله‌ی فضائل است. قلب افعال در منظمه‌ی فاضله، رأس و اصل آن، عمل نصیحت است. این فضیلت، انگیزش را برای ارتقاء نصیحت و تعمیم آن بالاتر می‌برد.

فتحصل که نصیحت و خیرخواهی از وظائف کارکنان نسبت به هم‌کاران است که باید برای رضای خدا و قرب به او عاری از انگیزه‌های مادی انجام پذیرد؛ در این صورت برترین فضیلت در میان فضائل سازمانی خواهد بود.

برای مطالعه

الدُّرَّةُ الْبَاهِرَةُ، قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَثْرَةُ النَّصْحِ تَدْعُو إِلَى التَّهْمَةِ.

نَحْجُ الْبَلَاغَةَ قَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام زَيْمًا نَصَحَ غَيْرُ النَّاصِحِ وَ عَشَّ الْمُسْتَنْصَحُ.^۳

^۳ مجلسی، بحار الأنوار (ط بیروت)، ج. ۷۲، ص. ۶۶.

^۴ درس ۱۱۵ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۵ شهر شوال ۱۴۴۷.